

حکم اجتماع سبب و مباشر

در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران

محمد عالمزاده*

چکیده:

یکی از موضوعات مطروحه در فقه اسلامی و حقوق موضوعه کشورها اجتماع دو یا چند عامل در ورود خسارت است. این بحث در فقه اسلام تحت عنوان تزاخم موجبات ضمان مطرح شده و تحت این عنوان از اجتماع سبب و مباشر و اجتماع اسباب سخن به میان می‌آید. منظور از مباشر عامل مستقیم ورود خسارت و منظور از سبب عاملی است که بصورت غیرمستقیم در تلف مال نقش ایفا می‌نماید. در مورد اجتماع سبب و مباشر در فقه امامیه، قاعده کلی، ضمان مباشر است. در تحلیل مسئولیت مباشر به عنوان قاعده باید گفت مباشر عامل نزدیک و بی واسطه ورود ضرر است و تا قبل از اقدام مباشر، همه چیز در حالت طبیعی و عادی قرار دارد. اما مباشر به عنوان آخرین علت مؤثرترین عامل در ورود خسارت محسوب می‌گردد. بنابراین اگر کسی چاهی را در معبر عمومی حفر نماید و دیگری عابری را در چاه اندازد، در این مورد شخصی که عابر را در چاه انداخته به عنوان مباشر مسئولیت دارد. اما در موردی که سبب اقوی از مباشر باشد مانند فرضی که مباشر در اثر اکراه دیگری ناگزیر از تلف مال کسی گردد اکراه کننده به عنوان سبب اقوی ضامن است. در مورد تساوی نقش سبب و مباشر در ورود خسارت نیز بین فقها اختلاف نظر وجود داشته، برخی از علماء مباشر را مسئول دانسته‌اند، لیکن برخی دیگر از علمای فقه و حقوق حکم به مسئولیت مشترک سبب و مباشر داده‌اند. در حقوق موضوعه ایران ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی به تأسی از قول فقهای امامیه حکم اجتماع سبب و مباشر را بیان نموده است.

کلید واژه‌ها: مباشر، سبب، اجتماع سبب و مباشر، سبب اقوی، مسئولیت

تضامنی، مسئولیت نسبی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر

muhammaf.alemzadeh@gmail.com

مقدمه:

مسئله اجتماع سبب و مباشر یکی از مباحث مطرح در فقه و از مطالب مطروحه در مبحث مسئولیت مدنی در حقوق ایران است. در حقوق سایر کشورها نیز مسئله اجتماع سبب و مباشر تحت عنوان سبب نزدیک (Direct Cause) و سبب بعید (Remote Cause) مطرح گردیده و بویژه در حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا از مسئولیت عامل نزدیک دفاع به عمل آمده است. (Black, 1983, 114) بنا به تعریف فقها سبب عبارت از هر فعلی است که تلف به واسطه آن حاصل می‌شود. مانند حفر چاه و ضابطه آن این است که اگر سبب وجود نداشت تلف حاصل نمی‌شد و در این معنا، سبب در مقابل مباشر یا عامل مستقیم ورود خسارت قرار می‌گیرد. (محقق حلی، ۱۴۱۳، ۴۶۲ - امام خمینی، بی‌تا، ۵۶۴) بنابراین اگر شخصی، ثالثی را در چاهی که دیگری حفر کرده بیندازد مباشر ورود خسارت تلقی می‌گردد. در مورد اجتماع سبب و مباشر با توجه به منابع فقهی و مقررات موضوعه ایران سه حالت قابل تحلیل و بررسی است. حالت اول قاعده کلی در مورد اجتماع سبب و مباشر و به عبارت دیگر قوی‌تر بودن نقش مباشر از سبب است. حالت دوم فرض قوی‌تر بودن سبب از مباشر است و حالت سوم فرضی است که نقش سبب و مباشر در ورود خسارت مساوی باشد لذا در این مقاله سه فرض مذکور به طور مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف- فرض اول - قاعده کلی در مورد اجتماع سبب و مباشر

۱- قاعده کلی در اجتماع سبب و مباشر در فقه امامیه

در منابع فقهی، قاعده اصلی در مورد دخالت سبب و مباشر در ورود خسارت و به عبارت دیگر اجتماع سبب و مباشر این است که مسئولیت با مباشر است. (محقق حلی، ۱۹۸۴، ۲۵۷ - نجفی، ۱۳۷۴، جلد ۳۷، ۵۴ - امام خمینی، بی‌تا، ۵۶۹) بر این اساس اگر کسی چاهی حفر کند و دیگری شخص ثالثی را در چاه اندازد مباشر یعنی کسی که ثالث را در چاه انداخته مسئول است و در این مورد ادعای اجماع مطرح گردیده و از مسلمات دانسته شده است. در توجیه مسئولیت مباشر گفته شده است: «عقلاً و نقلاً اسناد فعل به علت نزدیک و نه علت بعیدی که سبب است، معلوم و

آشکار است و شکی نیست که مباشر نزدیک‌تر از سبب است بلکه سبب در واقع از وسایل مباشر، در مباشرت است. مانند قتل با شمشیر و انداختن در جاده و انداختن روی شمشیری که غصبی است و غرق کردن در آبی که غیر آن را قرار داده است». (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۴) لیکن بر نظریه فوق از سوی فقها ایراد و مناقشه شده است. صاحب ریاض ضمن ایراد بر نظریه گفته است: «اگر اجماع در مسئله وجود نمی‌داشت می‌گفتیم هر دو ضامن هستند مانند ترتب و تعاقب ایادی در ید، خسارت دیده می‌تواند به هر یک از آنان مراجعه کند، زیرا از نظر منطقی بعد از اینکه مقتضی ضمان برای سبب ایجاد شد ضمان از سبب رفع نمی‌شود و این آن چیزی است که در حدیث نفی ضرر اشاره شد. به عبارت دیگر بموجب قاعده لاضرر، ضمان بر عهده سبب مستقر گردیده است هر چند که دخالتش در ورود خسارت ضعیف‌تر از مباشر باشد و معتقد است قوت مباشر نمی‌تواند ضمان را از عهده سبب رفع سازد. (همان و محقق داماد ۱۳۶۳ و ۱۲۴ - ۱۲۳)

بنابراین دیدگاه، مباشر و سبب هر دو ضامن و مسئول جبران خسارت می‌باشند و مالک در رجوع به هر یک مخیر است. کما اینکه در غصب نیز مالک حق رجوع به هر یک از غاصبین را دارد. این دیدگاه در صورتی قوت بیشتری می‌یابد که هم سبب و هم مباشر قصد اتلاف داشته و فعل سبب، سبب برای اراده مباشرت تلف است. چنانکه کسی شمشیری را در زمین نصب کند به این منظور که دیگری را بر روی آن اندازد. ولی در پاسخ به این ایراد نیز گفته‌اند حتی در این فرض نیز مباشر ضامن است. چرا که فعل به او منتسب است اگر چه فعل او از معادات تلف است لیکن با اندک تأمل تفاوت میان معادات قریب و بعید معلوم می‌شود. (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۵)

ایراد دیگری که بر ضمان مباشر وارد گردیده این است که اگر در زمان واحدی سبب و مباشر اتفاق داشته باشند، به دلیل عدم ترجیح، در ضمان مشترک هستند و اگر تعاقب در تأثیر داشته باشند ضمان بر عهده مقدم در تأثیر است. به خاطر اینکه ابتدا ضمان او ایجاد شده و سبب سبب است. (همان، ۵۵) توضیح اینکه فقهای امامیه در مورد اجتماع اسباب از نظریه سبب مقدم در تأثیر تبعیت نموده‌اند و در این مورد به قاعده استصحاب استناد نموده‌اند. به عبارت دیگر اگر کسی چاهی را در معبر عموم حفر نماید و دیگر سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابری با برخورد به سنگ در چاه افتد ضمان بر عهده گذارنده سنگ است. زیرا ضمان ابتدا با سبب مذکور تحقق یافته



پس ضمان او استصحاب می‌گردد. به عبارت دیگر عمل سنگ گذارنده در اثرگذاری مقدم بر عمل حفرکننده چاه بوده و لذا ضمان بر عهده اوست اگر چه این استدلال مورد ایراد واقع گردیده است. به عبارت دیگر استصحاب ضمان مقدم در تأثیر صحیح نیست چرا که معلوم نیست که با تأثیر سبب اول حتماً جنایت حاصل گردد تا آنرا استصحاب کنیم و حکم به ضمان صاحب این سبب کنیم. (گرگی، ۱۳۸۰، ۱۰۷)

۲- قاعده کلی در حقوق موضوعه ایران

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد».

ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی نیز اشعار می‌دارد: «در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد».

قسمت اول ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی قاعده کلی در مورد اجتماع سبب و مباشر را بیان نموده است. به عبارت یکی از علمای حقوق ایران «غلبه در اجتماع مسبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ۳۵۸)

بنابراین اگر کسی دوست خود را بگمارد که مزرعه دیگری را آتش بزند کسی که آتش افروخته و با اراده خود باعث ضرر شده است به عنوان مباشر مسئول است. مسئول دانستن مباشر به عنوان اصل و قاعده در بحث اجتماع سبب و مباشر به این دلیل است که مباشر علت نزدیک و بی‌واسطه در ورود خسارت است و تا قبل از دخالت مباشر همه چیز در حالت طبیعی و عادی خود قرار دارد و زیانی وارد نشده است، اما مباشر به عنوان آخرین علت و به عبارت دیگر علت نزدیک، زیان‌ها را وارد می‌نماید، پس مسئولیت نیز بر عهده او مستقر می‌گردد. به علاوه با پذیرش مسئولیت مباشر، اتخاذ تصمیم برای دادرسی نیز به سهولت انجام می‌پذیرد زیرا او به راحتی از میان تمامی اسباب آخرین آنها را به عنوان عامل مسئول بر می‌گزیند. این استدلال اغلب با واقعیت نیز منطبق است زیرا بطور معمول آخرین سبب تأثیر بیشتری نسبت به سبب مقدم دارد و تا قبل از



وقوع آن هیچ حادثه زیان باری رخ نمی‌دهد و احتیاب از وقوع ضرر امکان‌پذیر می‌باشد. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۵، ۳۸۹)

اگرچه به صراحت ماده ۳۳۲ قانون مدنی که اصل را بر مسئولیت مباشر نهاده است، از لحاظ قضایی حکم موضوع روشن است لیکن به نظر می‌رسد برای طرح درست موضوع باید این سؤال را مطرح نمود که در فرض قوی‌تر بودن مباشر از سبب، رابطه سببیت میان سبب و ضرر وارده قطع می‌گردد یا خیر؟ درست است که در فرض اجتماع سبب و مباشر، فعل مباشر میان سبب و ایجاد ضرر مانع و فاصله‌ای بوجود آورده که آن رابطه مستقیم را قطع کرده است (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ۲۷۷) اما باید گفت این به معنای قطع رابطه سببیت میان سبب و ضرر وارده نیست به همین دلیل بعضی از علماء معتقدند در جایی که رابطه سبب با تلف ضعیف‌تر است این ضعف نمی‌تواند مسئولیت او را از بین ببرد، پس بر طبق قاعده بایستی در همه حال مباشر و سبب ضامن باشند و مالک مال اختیار داشته باشد که به هر کدام می‌خواهد رجوع کند مانند وضعی که غاصبان متعدد در برابر مالک دارند. (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۵)

در انتقاد از این احتمال گفته شده است که هر گاه شخص مباشر تلف شود رابطه علیت بین کار او و تلف، ارتباط ضعیفی را که وقوع تلف با سبب دارد قطع می‌کند چندان که در نظر عرف دیگر نسبتی میان سبب و تلف باقی نمی‌ماند. برای مثال اگر کسی چاهی بکند و دیگری کسی را در چاه اندازد عرف کسی را ضامن می‌داند که مقتول را در چاه انداخته است. رابطه میان سبب و تلف رابطه‌ای مجازی و ضعیف است و تنها در جایی ضمان آور است که فعل اختیاری میان سبب و تلف واسطه نشود. در فرض ما رابطه مباشر و تلف قوی‌تر از سبب و تلف است و به همین جهت تنها مباشر مسئول است. (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۵) بنابراین اگر چه رابطه سببیت میان سبب و تلف قطع نگردیده است اما چون عرفاً اتلاف مستند به فعل مباشر است لذا مسئولیت با مباشر است. به عبارت دیگر دخالت سبب در ورود خسارت به نحوی نیست که در محاسبه مسئولیت بتوان نقشی برای آن قائل شد. در مورد مثال یاد شده نیز از لحاظ فلسفی حافر چاه علت تلف محسوب می‌گردد و اگر عمل کنند چاه نبود تلف رخ نمی‌داد اما حافر چاه در این مثال سبب حقوقی تلف محسوب نمی‌گردد چرا که در حقوق ملازمه سبب و ضرر عرفی است (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۴۲).



ب- فرض دوم- اقوی بودن سبب از مباشر

۱- فرض اقوی بودن سبب از مباشر از نظر فقهای امامیه

در فرضی که سبب قوی‌تر از مباشر باشد و نقش آن در ورود خسارت بیشتر باشد مسئولیت با سبب اقوی است و فقها در این مورد اتفاق دارند. (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۶ - محقق حلی، ۱۴۱۳، ۲۵۷- امام خمینی، بی‌تا، ۵۶۹) بر این اساس اگر مباشر به حال سبب جاهل باشد سبب ضامن است مانند اینکه کسی چاهی را در غیر ملک خود حفر کرده و شخص ثالث فردی را داخل چاه اندازد ولی اطلاعی از احداث چاه نداشته باشد در اینجا ضامن بر حفرکننده است و اگر در ملک خود چاهی حفر کند و آن را بیوشاند و دیگری را داخل ملک خود بخواند در اینجا اقرب ضامن حاضر است زیرا اثر مباشرت به لحاظ غرور ساقط می‌شود (العاملی، ۱۴۱۹، ۳۸۰).

به هر حال تعداد زیادی از اصحاب در مورد قاعده تقدیم مباشر، فرضی را که مباشر ضعیف‌تر است مستثنی کرده‌اند. در دروس و لمعه به استثناء غرور و اکراه اکتفا شده و در قواعد به اکراه اکتفا شد. در مورد اکراه، مکروه ضامن تلف مال نمی‌باشد اگر چه مباشر تلف باشد. در این مورد ضامن بر عهده کسی قرار می‌گیرد که اکراه کرده است برای اینکه مباشرت با اکراه ضعیف شده پس صاحب سبب در اینجا قوی‌تر است. ظاهر قول اصحاب در این مقام عدم رجوع مالک به مکروه است برخلاف جاهل مغرور که برای مالک حق رجوع به مغرور است اگر چه او به غار مراجعه می‌کند. به هر حال مراد از قول اصحاب این است که ضامن بر عهده مباشر مگر با قوت سبب. پس در فرض قوی بودن سبب، ذمه سبب به ضامن مشغول می‌شود و مباشر شریک در ضامن نمی‌باشد مگر در غرور. (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۷) لیکن صاحب جواهر در این مورد فرموده است: «اگر اجماعی وجود نداشته باشد خالی از نظر نیست که مکروه را مسئول بدانیم خصوصاً با بازگشت نفع به مباشر به اعتبار اینکه مباشر تلف است و اگر چه به مکروه رجوع می‌کند بلکه گفته می‌شود همانا قاعده، اقتضای اختصاص ضامن به مباشری که مکروه و مغرور است را دارد اگر چه اکراه کننده و غار مباشر را به اتلاف اجبار کرده‌اند و لیکن آنها به استناد دلیل ضامن هستند و نه به خاطر قوت سبب بر مباشر مخصوصاً وقتی که اسناد حقیقتاً به سبب است نه به مباشری که مانند باد و خورشید است.» (همان، ۵۸)



۲- سبب اقوی از مباشر در حقوق ایران

۲-۱- مفهوم سبب اقوی از مباشر

با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۳۲ قانون مدنی در موردی که سبب اقوی از مباشر باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به آن باشد مسئولیت با سبب است و مباشر مسئولیتی نخواهد داشت. چنانکه اگر شهردار برخلاف قانون به مأموران خود دستور دهد که بنایی را خراب کنند و مأمورین نیز بنا را خراب کنند و یا اینکه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز و مجنون دهد در این صورت شهردار و نیز دهنده مال مسئول است، (امامی، ۱۳۴۴، ۳۹۵) چرا که نقش آنها در ورود خسارت به عنوان سبب و عامل غیرمستقیم ورود خسارت بیشتر از مباشر (مجبور و مأمور) است. به همین نحو هر گاه مباشر در اثر اکراه دیگری مال را تلف کند یا در حال خواب مرتکب تلف شود چون مباشرت ضعیف‌تر از سبب است باید مسبب را ضامن شناخت. (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۸۵). به اعتقاد برخی از حقوقدانان با اینکه علی القاعده در مورد اجتماع دو یا چند علت در ورود خسارت با توجه به ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ باید از نظریه مسئولیت تضامنی عاملین ورود خسارت دفاع کرد اما با توجه به ماده ۳۳۲ قانون مدنی معتقدند در فرضی که مباشر دست به اتلاف می‌زند و معاون سبب است قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به تخصیص بر می‌خورد و قابل اجرا نیست چرا که در این مورد به موجب ماده ۳۳۲ قانون مدنی یکی از این دو مسئول جبران خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۲۱۱)

۲-۲- مصادیقی از سبب اقوی از مباشر در حقوق ایران

۲-۲-۱- اکراه

اکراه در صورتی محقق می‌شود که کسی از طرف دیگری وادار به انجام فعل زیان‌بار شود با توجه به ماده ۲۰۲ قانون مدنی «اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در شخص باشعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه‌آمیز سن، شخصیت، اخلاق و زن یا مرد بودن شخص باید در نظر گرفته شود.» با توجه به ماده ۲۰۳ قانون مدنی اکراه در انجام معامله موجب عدم نفوذ معامله است اما در مورد



اثر اکراه در مسئولیت مدنی صراحتی در مقررات قانون مدنی وجود ندارد اما با استفاده از ملاک ماده ۳۳۲ قانون مدنی در بحث اجتماع سبب و مباشر، هر گاه شخص دیگری را به ورود خسارت اکراه نماید مکره مباشر ضعیف‌تر از اکراه کننده است و اکراه کننده سبب اقوی محسوب می‌شود لذا در این فرض مسئولیت به عهده سبب خواهد بود چنانکه پیشتر نیز اشاره گردید. اجبار و اکراه باید در اثر تهدیدی انجام گیرد که عادتاً قابل تحمل نباشد زیرا تنها در این صورت است که می‌توان گفت مکره کاری بر خلاف متعارف انجام نداده و مرتکب تقصیر نشده است، وانگهی اگر درجه تأثیر اجبارکننده چنان باشد که بتوان او را سبب قوی‌تر شمرد مباشر مسئولیتی ندارد و تهدید یا اکراه مادی در حکم قوه قاهره است و رابطه علیت بین فعل مباشر و ورود ضرر را قطع می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۱۷۴)

باید افزود که اکراه در صورتی موجب معاف شدن از مسئولیت می‌شود که وجود رابطه علیت بین فعل مباشر و تلف یا تقصیر در انجام آن شرط باشد ولی در موردی که ضمان تلف مالی قطع نظر از چگونگی و علت آن به عهده متصرف است وجود اکراه اثری در این ضمان ندارد بنابراین اگر کسی غاصبی را به زور وادار به تلف مالی کند مسئولیت او در برابر مالک از بین نمی‌رود زیرا این مسئولیت ناشی از عنوان غصب و ضمان ناشی از استیلا نامشروع بر مال دیگری است نه اتلاف، ولی در این فرض غاصب می‌تواند به اکراه کننده رجوع کند چرا که تلف مستند به فعل اوست و مالک نیز حق دارد به غاصب و اکراه کننده بطور اجتماع و یا انفراد رجوع کند و هر گاه خسارت را از اکراه کننده بگیرد او حق رجوع به غاصب را ندارد. (همان، ۱۷۵ و ۱۷۴)

۲-۲-۲- غرور

غرور در لغت به معنای فریفتن و فریب دادن است. (معین، ۱۳۷۱، ۲۴۰۱) در اصطلاح حقوقی عبارت از این است که شخصی با فریب دیگری باعث ورود زیان توسط فریب‌خورده گردد. بر اساس این قاعده هر گاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب شخص دیگری شود و ضرر و زیانی متوجه او گردد شخص نخست ضامن است و باید از عهده خسارت وارده بر آید. شخص اول را غار و شخص دوم را مغرور می‌گویند. (محقق داماد، ۱۳۶۴، ۱۷۱) در مورد غرور بین نویسندگان اختلاف نظر شدید است ولی غلبه و شهرت با نظری است که به موجب آن مغرور



نمی‌تواند در برابر زیان دیده خود را معاف بداند و آن را از دلایل سقوط ضمان شمارد. این گفته در مواردی که تقصیر نقشی در مسئولیت ندارد (مانند اتلاف) منطقی است مشروط بر اینکه غرور رابطه عرفی بین تلف و فعل شخص را قطع نکند. ولی در فرضی که تقصیر شرط است غرور می‌تواند بدین وسیله گاه خود را منزله از ارتکاب تقصیر بداند برای مثال هر گاه تاجری در اثر اغواء، نام تجارته دیگری را به کار برد و ضرری به بار آورد مسئولیتی ندارد زیرا نمی‌توان او را مقصر شمرد. همچنین است اگر کسی در اثر اغراء دیگری معبر عموم را ملک او پندارد و در آن چاه بکند. در واقع دلیل سقوط ضمان، نبودن تقصیر به دلیل جهل است نه فعل مغرورکننده. به بیان دقیق‌تر باید ناآگاهی را از موانع ایجاد مسئولیت شمرد چرا که فعل را مباح می‌سازد و گاه استناد عرفی اضرار را به فعل مسبب دشوار می‌سازد. (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۱۷۵) به هر حال هر گاه مغرور در اثر رجوع زیان‌دیده ناگزیر از جبران خسارت شود او نیز حق رجوع به مغرور کننده را دارد که مبنای آن روایت نبوی «المغرور یرجع الی من غره» می‌باشد. به اعتقاد بعضی از علمای حقوق، گاه در اثر غرور چنان نقش مباشر ضعیف می‌شود که بایستی تلف را به مسبب (مغرور کننده) نسبت داد. برای مثال اگر غاصب برای تخریب مال منصوب کارگری استخدام کند و وانمود سازد که در مال خود تصرف می‌کند به دلیل قوی‌تر بودن سبب تنها غاصب ضامن است. (همان، ۱۷۶)

اما به اعتقاد یکی از اساتید فقه، قاعده سبب (سبب اقوی از مباشر) در بحث غرور جاری نمی‌شود «زیرا وقتی گفته می‌شود غار سبب است از برای اتلاف مال، باید توجه داشت که در قاعده تسبیب، هنگامی سبب اقوی از مباشر دانسته می‌شود که سبب و در مورد بحث، تعزیر غار، علت تامه باشد برای وقوع مغرور در ضرر یا در حالت دیگر تعزیر غار جزء اخیر علت تامه برای وقوع فعل و خسارت نیست زیرا مغرور اراده دارد، می‌تواند کار پیشنهادهی را انجام بدهد یا نه و فعلی که انجام داده است با اراده و اختیار خود او بوده است. مطابق این نظر عمل غار حکم معد را دارد و داعی است و در مورد داعی و معد نمی‌توان قاعده تسبیب را جاری کرد مضافاً در بحث سبب، مباشر مانند آلت فعل است. اما در غرور چنین نیست، غار ایجاد داعی می‌کند و معد را بوجود می‌آورد ولی مغرور با اختیار و اراده خود فعل را انجام می‌دهد.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ۸۱)

لیکن در مقررات ماده ۳۲۴ قانون مدنی در مبحث غصب، در فرض جهل خریدار به غصبی

بودن مال، اگر چه مسئولیت خریدار در مورد مال غصبی کماکان باقی است اما خریدار جاهل حق رجوع به بایع فضولی را به عنوان سبب و مغرور کننده خواهد داشت. به عبارت دیگر در تحلیل نهایی بایع فضولی به عنوان سبب اقوی مسئول است.

۳-۲-۲- امر آمر

دستور مقام صلاحیتدار به مانند حکم قانون مأمور را موظف به اجرای امر آمر می‌نماید. لذا چنانچه دستور قانونی باشد مسئولیتی ایجاد نخواهد شد. مطابق ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری «مستخدم مکلف است تا در حدود قوانین و مقررات احکام و اوامر مافوق خود را در امور اداری اطاعت کند اگر مستخدم حکم یا امر مافوق را برخلاف قوانین و مقررات تشخیص دهد مکلف است کتباً مغایرت دستور با قوانین و مقررات را به مقام مافوق اطلاع دهد و در صورتی که بعد از این اطلاع مقام مافوق کتباً اجرای دستور را تأیید کرد مأمور مکلف به اجرای دستور صادره خواهد بود». مطابق بند یک ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که ارتکاب عملی که برای آن مجازات مقرر شده است به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد جرم محسوب نمی‌شود». بنابراین در مواردی که مأمور در اجرای امر آمر مباشر ورود خسارتی می‌گردد و غیرقانونی بودن دستور را نیز تذکر می‌دهد سبب اقوی آمر محسوب می‌شود و به عبارت دیگر در این فرض مأمور مرتکب تقصیری نگردیده است تا مسئول باشد و به واسطه نقش قوی‌تر سبب، تلف مال به استناد قسمت اخیر ماده ۳۳۲ قانون مدنی مستند به فعل سبب یا آمر بوده و مسئولیت با سبب اقوی است.

ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد:

«هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجرا کرده باشد فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد».

به عبارت دیگر آنچه مسلم است اشتباه مأمور در اجرای امر غیرقانونی موجب معافیت از مسئولیت کیفری است اما مسئولیت مدنی به قوت خود باقی است لیکن بنظر می‌رسد با جمع منطقی ماده مذکور و ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری باید بر این اعتقاد بود که در فرضی که



مأمور غیرقانونی بودن امر را به آمر تذکر می‌دهد ولی آمر اصرار بر امر خود دارد مأمور مسئولیتی در این فرض ندارد و به عبارت دیگر ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی منصرف از مورد فوق می‌باشد. در غیر اینصورت باید این نتیجه غیرمنطقی را بپذیریم که از یک سو قانونگذار بموجب ماده ۵۴ قانون استخدام کشوری، مأمور را با تحقق شرایط این ماده مکلف به اطاعت از امر آمر نموده و از سوی دیگر مأمور را به لحاظ اجرای امر آمر مطابق ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی مسئول پرداخت خسارت ناشی از اجرای دستور دانسته است.

به نظر بعضی از اساتید حقوق مدنی ایران نیز مأموران اداری هر گاه برحسب امر مقام بالاتر و در جایی که امکان هیچ گونه مقاومت یا بحث وجود ندارد کاری کنند که سبب ورود خسارت شود از این بابت مسئولیت ندارند. (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۱۷۴)

۴-۲-۲- سپردن مال به صغیر غیرممیز و مجنون

بموجب ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی «هر گاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیرممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود». چنانکه می‌دانیم مطابق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی «اگر صغیر یا مجنون یا سفیه باعث ضرر غیر شود شخصاً ضامن جبران خسارت وارده خواهد بود».

لیکن در موردی که کسی مالی را به صغیر غیرممیز یا مجنون می‌سپارد و مال توسط صغیر غیرممیز یا مجنون تلف یا ناقص گردد، دهنده مال سبب اقوی در ورود خسارت است و صغیر غیرممیز یا مجنون مباشری است که اراده‌ای در ورود خسارت ندارد. لذا از باب قاعده تسبیب مسئولیت به عهده دهنده مال است و مصداقی از قسمت اخیر ماده ۳۳۲ قانون مدنی در مورد اجتماع سبب و مباشر محسوب می‌گردد. از سوی دیگر چنانچه دهنده مال، صاحب مال نیز باشد قطع نظر از اینکه سبب اقوی از مباشر است از باب قاعده اقدام و اینکه به ضرر خود اقدام کرده مستحق مطالبه خسارت نخواهد بود.

در موردی که بدون سپردن مال توسط دیگری، مالی توسط صغیر یا مجنون تلف می‌گردد مثلاً صغیر یا مجنون شیشه خانه دیگری را بشکند، اگر چه به حکم ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی صغیر یا مجنون در این فرض مسئول جبران خسارت است. لیکن با تصویب ماده ۷ قانون مسئولیت



مدنی که در صورت تقصیر سرپرست در نگهداری و مراقبت از صغیر یا مجنون، مسئولیت را به عهده سرپرست دانسته است می‌توان گفت که سرپرست به عنوان سبب اقوی از مباشر مسئول است. به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان منظور از صغیر در ماده ۷ مذکور اعم از صغیر ممیز و غیرممیز است. اما در مورد صغیر ممیز بند اول ماده ۷ مذکور متضمن یک قاعده تازه و محصص ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی است. در حالی که طبق این ماده مسئولیت اعمال صغیر ممیز به عهده خود اوست و به علت اقوی بودن مباشر نمی‌توان سرپرست صغیر ممیز را حتی اگر در انجام وظیفه مقصر باشد مسئول شناخت. برابر قانون مسئولیت مدنی در صورت تقصیر سرپرست در نگهداری با مواظبت صغیر ممیز نیز مسئولیت در درجه اول به عهده کسی است که مواظبت و نگهداری محجور به عهده او بوده است. (صفایی ۱۳۷۵، ۲۴۳-۲۴۲)

اما بعضی دیگر از حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۲۳۸) تحلیل دیگری از موضوع دارند. به اعتقاد ایشان مسئولیت سرپرست صغیر یا مجنون در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مطابق قاعده است و اگر ماده ۷ مذکور هم به آن تصریح نمی‌کرد از قواعد مدنی استنباط می‌شد، زیرا در نظر عرف رابطه علیت بین خطای سرپرست مجنون و صغیر با زیان قوی‌تر از اقدام آنهاست و در چنین مواردی باید مسبب را مسئول شمرد. تنها در پاره‌ای از امور که صغیر ممیز باعث ضرر غیر می‌شود ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی قاعده مسئولیت سبب قوی‌تر را گسترش داده است.

ج- فرض سوم- تساوی نقش سبب و مباشر

۱- تساوی نقش سبب و مباشر در فقه اسلامی

چنانکه اشاره گردید قاعده در مورد اجتماع سبب و مباشر، تقدیم مباشر بر سبب است و تنها فرضی که از این قاعده مستثنی گردیده، قوی‌تر بودن سبب از مباشر است. بنا به قول فقها در فرض اجتماع سبب و مباشر هنگامی که مباشر قوی‌تر است و یا هر دو مساوی هستند مباشر ضامن است. (نجفی، ۱۳۷۴، جلد ۴۲، ۱۴۵ - امام خمینی، بی‌تا، ۵۹۶) ظاهراً این نظر بر اجماع فقها متکی گردیده است. این در حالی است که اگر دو یا چند نفر به عنوان سبب در قرار دادن سنگ در کنار چاهی اشتراک داشته باشند و عابری در داخل چاه افتد به اعتقاد فقها ضامن بر

عهده هر دو نهاده شده و ظاهر در تساوی آنها است. اگر چه کاری که انجام داده‌اند مختلف باشد. (امام خمینی، بی تا، ۵۶۹) به عبارت دیگر در مورد نقش اسباب متعدد حکم مسئولیت هر دو پذیرفته شده است. لیکن در فرض نقش برابر سبب و مباشر مسئولیت به عهده مباشر نهاده شده است. از عبارت یکی از اساتید فقه این نظر استنباط می‌شود که چنانچه عمل به هر دو نسبت داده شود هر دو مسئول هستند بر اساس این نظر: «باید دانست که معیار انتساب عمل است و بایستی دید عمل تلف منتسب به کیست؟ مناط تنها درجات مادی اکراه و اجبار نیست بلکه همین که اراده فاعل مرعوب و تحت تأثیر شدید اراده سبب باشد عرفاً عمل به سبب منتسب است. بنظر می‌رسد باید قائل به تفصیل شد و باید دید از نظر ثقل و موازنه کدامیک از سبب یا مباشر در انتساب عمل بر دیگری برتری دارد». (محقق داماد، ۱۳۶۴، ۱۲۵ و ۱۲۴).

برخی از فقها نیز در صورت برابر بودن درجه تأثیر سبب و مباشر، شرکت آن دو در ضمان را ترجیح داده‌اند. (محقق رشتی، بی تا، ۳۷) و برخی دیگر نیز حکم موضوع را به داوری عرف واگذار کرده‌اند. (میرفتاح، ۱۲۹۷، ۲۹۱)

۲- تساوی نقش سبب و مباشر در قوانین ایران

ماده ۳۳۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال شود مباشر مسئول است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.» از ظاهر ماده مذکور اینگونه بر می‌آید که بنا به قاعده مندرج در قسمت اول ماده اصل بر مسئولیت مباشر است و تنها فرضی که از این قاعده مستثنی گردید، بنا به قسمت اخیر ماده، فرض قوی‌تر بودن سبب از مباشر است. بنابراین در فرض تساوی نقش سبب و مباشر نیز باید به اصل و قاعده که مسئولیت مباشر است مراجعه کنیم.

ماده ۶۹ قانون دیات نیز مقرر می‌داشت: «هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی به نحو سبب و دیگری به نحو مباشر دخالت داشته باشد در صورتیکه تأثیر هر دو برابر هم باشد یا تأثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است» لیکن با اصلاح مقررات جزایی ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی که جایگزین ماده ۶۹ گردیده مقرر می‌دارد: «در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.»



اگر چه از ظاهر ماده ۳۶۳ صدرالذکر نیز به عنوان قاعده کلی، مسؤولیت مباشر استنباط می‌شود و تنها فرض قوی‌تر بودن سبب مستثنی گردیده است، لیکن تغییر ماده مذکور و اصلاح آن به نحو فعلی دلالت بر این مطلب دارد که قانونگذار خواسته است فرض تساوی نقش سبب و مباشر را از حکم قاعده کلی که فقط مسؤولیت مباشر است خارج سازد.

برخی از علمای حقوق ایران نیز در تحلیل موضوع اظهار داشته‌اند: «غلبه در اجتماع سبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه به سبب. هر حکم قانونی که متکی بر غلبه باشد اماره است و اصل در امارات قانونی هم نسبی بودن است. پس مدلول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از این نمی‌شود که اگر انتساب به هر دو عرفاً صحیح باشد هر دو متضامناً در برابر متضرر از اتلاف مسئول باشند. به عنوان مثال کسی در جوار خانه خود در معبر خاص یا عام بطور غیرمجاز چاه فاضلاب می‌کند و موقع غروب که دست از کار می‌کشد درپوشی روی چاه می‌گذارد و برای ادامه کار در روز بعد دو نفر از آنجا می‌گذرند و برای مشاهده داخل چاه درپوش را برمی‌دارند و سپس یکی به شوخی دیگری را به سوی چاه می‌نیزاند و او به درون چاه سقوط کرده و جامه او دریده شده و مجروح می‌گردد. در این مورد عرفاً اضرار به حافر چاه غیرمجاز و آن کسی که دیگری را لغزائیده است منتسب است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ۲۵۸)

به اعتقاد برخی دیگر از حقوقدانان نیز منطق حقوقی ایجاب می‌نماید که در این فرض به ویژه در جایی که هر دو قصد اتلاف دارند و اجرای آن را تقسیم کرده‌اند هر دو مسئول شمرده شوند زیرا مجموع سبب و مباشرت خسارت را به بار آورده است. (کاتوزیان، ۱۳۶۲، ۱۳۷)

اما در مورد نحوه مسؤولیت سبب و مباشر، عده‌ای مسؤولیت تضامنی آنها را پذیرفته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹، ۲۵۸) لیکن برخی دیگر از اساتید حقوق، مسؤولیت مساوی سبب و مباشر را ترجیح داده‌اند. (امامی، ۱۳۴۴، ۳۹۵)

به نظر می‌رسد که استناد به ظاهر ماده ۳۳۲ قانون مدنی برای مسئول دانستن مباشر در فرض تساوی نقش سبب و مباشر منطقی نباشد چرا که از قسمت اخیر ماده ۳۳۲ که مقرر می‌دارد: «مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که اتلاف مستند به فعل او باشد» اینگونه استنباط می‌گردد



که معیار مسئولیت، انتساب و مستند بودن اتلاف به فعل فرد است و در فرض مورد بحث نیز اتلاف منتسب به فعل سبب و مباشر توأمان است.

در مورد نحوه مسئولیت سبب و مباشر در فرض مسئول دانستن هر دو نیز باید گفت مسئولیت تضامنی عاملین متعدد در حقوق ایران یک استثناء است و با اتخاذ ملاک از ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی باید قائل به مسئولیت نسبی عاملین متعدد و از جمله سبب و مباشر بود. در حقوق لبنان نیز بنا به نظر برخی از حقوقدانان اگر سبب و مباشر در تأثیر تعادل داشته و برابر باشند هر دو در مسئولیت شریک هستند. (محمضانی، ۱۳۵۸، ۲۷۹)

نتیجه

در مورد حکم اجتماع سبب و مباشر قاعده کلی و اصلی در فقه اسلامی و حقوق ایران، مسئولیت مباشر است و ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ایران نیز هماهنگ با فقه امامیه این قاعده را پذیرفته است. اما وقتی که نقش سبب در ورود ضرر قوی‌تر باشد مانند فرضی که مباشر در اثر اکراه دیگری مالی را تلف نماید و یا در اجرای امر آمر بدون اینکه امکان مقاومت و تخطی داشته باشد خسارتی به مال دیگری وارد نماید. اکراه کننده و آمر سبب اقوی در ورود خسارت بوده و مسئول خواهد بود. اما در فرضی که نقش سبب و مباشر در ورود خسارت برابر باشد آنچه از ظاهر ماده ۳۳۲ قانون مدنی استنباط می‌شود این است که تنها فرضی که از قاعده کلی مسئولیت مباشر مستثنی گردیده، فرض قوی‌تر بودن سبب از مباشر است و در سایر فرض‌ها مسئولیت با مباشر است. اما بنظر می‌رسد حکم ماده ۳۳۲ قانون مدنی مبتنی بر اماره قانونی است و اصل در امارات نیز نسبی بودن است لذا ظاهر ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از این نیست که اگر انتساب ضرر به هر دو عرفاً صحیح باشد هر دو مسئول باشند. حذف ماده ۶۹ قانون دیات که به صراحت در فرض تساوی سبب و مباشر، عامل اخیر را مسئول می‌دانست و جایگزینی ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مؤید این ادعاست. اما در مورد نحوه مسئولیت سبب و مباشر در فرض اخیر با توجه به ملاک ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی باید قائل به مسئولیت نسبی عاملین متعدد و از جمله سبب و مباشر بود.

فهرست منابع:

- ۱- امامی، سید حسن، (۱۳۴۴)، **حقوق مدنی**، جلد اول، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، **مجموعه محشای قانون مدنی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۳- عاملی، زین العابدین معروف به شهید ثانی، (۱۴۱۹)، **مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام**، جلد ۱۵، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- ۴- صفایی، سیدحسین، (۱۳۷۵)، **مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی**، چاپ اول، نشر میزان.
- ۵- قاسم‌زاده، سیدمرتضی، (۱۳۸۵)، **مبانی مسئولیت مدنی**، تهران، چاپ چهارم، نشر میزان.
- ۶- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۲)، **حقوق مدنی - ضمان قهری - مسئولیت مدنی**، چاپ اول، انتشارات دهخدا.
- ۷- _____، (۱۳۸۲)، **حقوق مدنی - نظریه عمومی تعهدات**، چاپ دوم، نشر میزان، زمستان.
- ۸- _____، (۱۳۸۵)، **مقاله رابطه سببیت تقصیر و خسارت**، مجله حقوق تطبیقی، شماره اول، دوره جدید، شماره یک، بهار و تابستان.
- ۹- گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، **دیات**، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، بهار.
- ۱۰- محقق حلی، (۱۹۸۴)، **شرایع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام**، دارالاضراء بیروت.
- ۱۱- _____، (۱۴۱۳)، **مختصر النافع**، قم، چاپ اول، مؤسسه البعثه.
- ۱۲- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۶۳)، **قواعد فقه**، بخش مدنی، نشر علوم اسلامی.
- ۱۳- محقق رشتی، حاج میرزا حبیب اله، (بی تا)، **کتاب غصب**.
- ۱۴- محمضانی، صبحی، (۱۳۵۸)، **النظریات العامه للموجبات و العقود**، جلد اول، ترجمه جمال الدین جمالی، چاپ اول، نشر آبان.
- ۱۵- المراغی الحسینی، عبدالفتاح بن علی، (۱۲۹۷)، **عناوین**، چاپ سنگی.
- ۱۶- معین، محمد، (۱۳۷۱)، **فرهنگ فارسی**، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۷- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، (۱۳۷۲)، **قواعد فقهیه**، چاپ دوم، نشر میعاد، پاییز.
- ۱۸- موسوی الخمینی، روح اله، (بی تا)، **تحریر الوسیله**، جلد دوم، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- ۱۹- نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۷۴)، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، تهران، چاپ چهارم، جلد‌های ۳۷ و ۴۲، انتشارات کتابچی.

20- Black, Henry Campbell, (1983) **Black's Dictionary of Law**, West Publishing company, U.S.A.

